

## شیوه نیکو برای انتقال باورهای نیکو

آیا هنگامی که برای نماز صبح بر می‌خیزیم، واجب است فرزندانمان را برای این فریضه شرعی بیدار کنیم؟ اگر آنها را بیدار کردیم، ولی با اصرار آنها بر ادامه خوابیدن مواجه شدیم، چه کار باید انجام دهیم؟ آیا تعلیمات دینی‌ای که از طریق احادیث و علما به دست ما رسیده است، در این خصوص حرفی برای گفتن دارد؟



آیا هنگامی که برای نماز صبح بر می‌خیزیم، واجب است فرزندانمان را برای این فریضه شرعی بیدار کنیم؟ اگر آنها را بیدار کردیم، ولی با اصرار آنها بر ادامه خوابیدن مواجه شدیم، چه کار باید انجام دهیم؟ آیا تعلیمات دینی‌ای که از طریق احادیث و علما به دست ما رسیده است، در این خصوص حرفی برای گفتن دارد؟

آیا در برابر اصرار کودکان و نوجوانان خانواده به استراحت هنگام نماز صبح، باید برای آنها تنبیهی در نظر بگیریم؟ نماز از واجبات دین است و تردیدی در آن نیست. این واجب دینی، همچون سنتی بین نسل‌های متفاوت مسلمانان، محفوظ بوده است. در احادیث، نماز، یکی از مهم‌ترین عبادات اسلامی و ستون اسلام لقب گرفته است. بنابراین در اهمیت نماز تردیدی نیست. اما مسائلی که در بند اول این مطلب بیان شد، درباره سایر دستورات و واجبات دین نیز قابل طرح هستند. مساله اصلی این است که نسبت به وظایف شرعی اعضای خانواده، بویژه کوچکترها، تا چه حد باید شدت عمل به خرج دهیم؟ بیان دو نکته در اینجا تا حدی راهگشاست.

### الگوی کودکانمان باشیم

حافظ؛ این سرمایه عرفانی تاریخ اسلام، در بیتی می‌فرماید: «به رغم مدعیانی که منع عشق کنند / جمال چهره تو حجت موجه ماست»

برخی مخاطب این شعر را حضرت رسول اکرم(ص) توصیف کرده‌اند. چه این که در زمان حضور پیامبر اکرم(ص) مهم‌ترین دلیل بسیاری از مسلمانان، در ایمان به اسلام، شخص پیامبر(ص) بود. آنها پیامبر را به مثابه فردی امین، خوش اخلاق و راستگو می‌شناختند، بنابراین، به اسلام، به مثابه پیامی که چنین فرد نیک نامی حامل آن است، ایمان می‌آوردند. در این که چنین برهانی برای دین داری، برهانی تام و تمام است، مباحث زیادی می‌توان مطرح کرد. مثلا می‌توان پرسید، اسلام آوردن فردی که از روی شناخت چند ساله پیامبر، به او ایمان آورده، ارزشمندتر است، یا اسلام آوردن فردی که اصلا در زمانه و مکان حضور پیامبر زندگی نمی‌کرده، ولی با تحقیق و جستجو و یافتن براهین مستدل، به اسلام ایمان آورده، ایمان کامل‌تری است.

در اینجا فعلا به پاسخ این سوال کاری نداریم، ولی باید یک واقعیت را بپذیریم و آن این که عمده افراد، به واسطه تحقیق کامل و جستجوی کتابخانه‌ای و استدلال‌های فلسفی، به یک دین باور پیدا نمی‌کنند. بلکه بسیاری از مردم، یک دین را می‌پذیرند، چون نسبت به مردمی که به آن دین گرویده‌اند، حسن ظن داشته و به تبع نسبت به آن دین نیز، نگاه مثبتی دارند. بنابراین، ایمان عمده افراد، بویژه کودکان، مبتنی بر ایمان و اتکا به افرادی دیگر است. اشتباه نکنیم، در اصول دین، تقلید راه ندارد. ولی کودکی که در یک خانواده متدین به دنیا آمده، اگر نسبت به اعضای خانواده خود، حسن ظن داشته باشد، پیش از این که نگاه نقادانه و عقلانی به باورها و اصول دینی داشته باشد، عقاید والدین خود را اجمالا تأیید کرده و به آنها ایمان می‌آورد. بله غایت و آرمان اسلامی این است که همین کودک، بعدها عقاید خود را با تحقیق و پژوهش، مستدل کند. اما اگر کودکی، در خانواده‌ای متدین به دنیا بیاید، ولی نسبت به اعضای این خانواده حسن ظن نداشته باشد، مثلا مرتبا شاهد دعوا و جدال بین والدین خود باشد یا تصویر ذهنی‌ای که از پدر خود در ذهنش نقش بسته است، تصویر فردی خشن باشد، مسلما نسبت به عقاید اعضای این خانواده نیز، حسن ظن نخواهد داشت. بنابراین، اولین گام برای انتقال باورها و سنت‌های دینی به نسل آینده، این است که خود را به مثابه محصول این باورها و سنت‌ها، اصلاح کنیم و رفتاری حسنه و نیکو با اعضای خانواده خود داشته باشیم، نسبت به مشکلات آنها حساس باشیم، آنها را دوست بداریم و سعی کنیم نزد آنها محبوب باشیم. در این صورت، ما، به مثابه والدین، بهترین دلیل و حجت، برای عمل به عبادات و رفتارهای دینی، برای کودکان خواهیم بود و خواهیم دید که کودکانمان، حتی با نهمی ما از روزه گرفتن، مایل به تقلید روزه گرفتن ما خواهند بود.

اگر پدر و مادر، در ذهن کودک، یک پناهگاه قابل اتکا و محبوب باشند، کودک در مراحل بلوغ و جامعه‌پذیری، خود را هر چه بیشتر به والدین خود شبیه خواهد کرد. در این صورت، انتقال سنت‌ها و رفتارهای دینی، خودبه‌خود صورت خواهد گرفت و اصلا نیازی به اعمال قدرت نخواهد بود.

### کودکان را از سوال درباره عقاید دینی نترسانیم

بسیاری از مواقع، کودکان درباره عقاید و رفتارهای دینی ما سوالاتی را مطرح می‌کنند، که برای آنها پاسخ روشنی نداریم. برخی از والدین، در این موارد، کودک را از ادامه پرسش نهمی می‌کنند و حتی برای ممانعت کودک از ادامه سوال، او را از خشم خداوند می‌ترسانند. نتیجه این رفتار، این است که خداوند، در ذهن کودک، همچون موجودی - بلاتشبییه - مستبد و مقتدر نقش خواهد بست. یعنی کودک خداوند را به مثابه موجودی که همواره می‌خواهد «مچ انسان را بگیرد» و انسان را به خاطر خطاهای فکری، زبانی و رفتاری اش مجازات کند، در نظر خواهد گرفت. در صورتی که این تصویر، با تاکیداتی که اسلام بر رحمت و مهربانی خداوند نسبت به بندگان دارد، هیچ سازگاری‌ای ندارد.

بنابراین اگر بینش دینی خود را نسبت به مسائل فرزندانمان، ناقص می‌بینیم، بهتر است، کمی مطالعات دینی خود را برای

پاسخ به این مسائل، تقویت کنیم یا از علما و معلمان خیره، برای مسائل کودکان، پاسخ مناسبی را بخواهیم. نهی کودک از سوال کردن درباره امور دینی و ترساندن او از عذاب خداوند در برابر این کنجکاوی های کودکانه، نتیجه ای جز تحریف دین و در نتیجه دور شدن کودک از باورهای دینی، نخواهد داشت.

**سلمان اوسطی / جام جم**